

و اسلافش مشاهده می‌شود. امپراتوری رومانوف روسیه و بعدها اتحاد جماهیر شوروی برای یکپارچه‌سازی تلاش‌های بیشتری کردند. امروز اتحادیه اوراسیایی با استفاده از یک الگوی ایدئولوژیک منحصر به فرد، که به شیوه‌های دموکراتیک نظر دارد و به حقوق ملت‌ها احترام می‌گذارد و نیز به شاخصه‌های فرهنگی، زبانی و قومی همه اعضای اتحادیه توجه دارد، راه سنت‌های یکپارچه‌سازی را ادامه داده است. اوراسیاگرایی فلسفه یکپارچه‌سازی سرزمین پسا شوروی بر پایه مبانی دموکراتیک، خشونت‌پرهیز و داوطلبانه، بدون سلطه گروه‌های مذهبی و قومی است.

• آستانه، دوشنبه و بیشکک، نیروهای اصلی یکپارچه‌سازی

جمهوری‌های آسیایی مشترک‌المنافع به شیوه‌های مختلف فرایند یکپارچه‌سازی پسا شوروی را مدنظر قرار داده‌اند. قزاقستان کُنشگرترین طرفدار یکپارچه‌سازی است. نورسلطان نظربایف، رئیس‌جمهور این کشور، از حامیان ثابت قدم نظریه اوراسیایی است. قرقیزستان و تاجیکستان نیز از فرایند یکپارچه‌سازی حمایت می‌کنند، گرچه حمایت آن‌ها در مقایسه با قزاقستان کمتر ملموس است.

• تاشکند و عشق‌آباد

ازبکستان و به ویژه ترکمنستان در تلاش برای بهره‌برداری از حاکمیت ملی تازه به دست آمده خود، که در جهت منافع آن‌هاست، با فرایند ادغام مخالف‌اند. با وجود این، به دلیل سرعت فزاینده جهانی شدن، به زودی، هر دو حکومت با تنگنا مواجه خواهند شد: آیا آن‌ها حاکمیت خود را از دست می‌دهند و در یک جهان یکپارچه و جهان شمول که تحت سلطه ارزش‌های لیبرال آمریکایی است، ذوب می‌شوند یا هویت فرهنگی و مذهبی خود را در بافت اتحادیه اوراسیایی حفظ خواهند کرد؟ از نظر ما، مقایسه بی‌غرضانه این دو گزینه به انتخاب گزینه دوم منجر خواهد شد که به طبع برای هر دو کشور به دلیل تاریخچه شان قابل پیگیری است.

• کشورهای ماورای قفقاز

ارمنستان ضمن گرایش مداوم به اتحادیه اوراسیا، فدراسیون روسیه را حامی و میانجی ذی نفوذی می‌داند که به آن در مدیریت روابط با همسایگان مسلمان خود کمک می‌کند. نکته قابل ملاحظه این است که تهران به برقراری مشارکت با ارمنه، که از نظر قومی به آن‌ها نزدیک هستند، تمایل نشان می‌دهد. این حقیقت ما را مجاز می‌کند دو نیم محور مسکو - ایروان و ایروان - تهران را به عنوان پیش‌نیازهای ضروری برای یکپارچگی به حساب بیاوریم. با کوبی طرف خواهد ماند، اما این وضعیت با حرکت پی‌درپی آنکارا به سمت اوراسیاگرایی به شدت تغییر خواهد کرد و این برای آذربایجان پیامدهای فوری خواهد داشت. تحلیل فرهنگ آذربایجانی نشان می‌دهد که این کشور به فدراسیون روسیه و جمهوری‌های قفقاز و آسیای مرکزی پسا شوروی نزدیک‌تر است تا ایران مذهبی و حتی ترکیه میانه‌رو. گرجستان مسئله کلیدی منطقه است. ماهیت موزاییکی کشور گرجستان علت بروز مشکلات جدی در طول تشکیل یک دولت ملی جدید بوده است که البته اقلیت‌های قومی مانند آبخازیا، اوستیای جنوبی و آجارا آن را به شدت نفی کرده‌اند. از سوی دیگر، از آنجا که کشور گرجستان در منطقه حتی یک شریک قوی ندارد، برای متعادل کردن نفوذ روسیه مجبور است که مشارکت ایالات متحده و ناتو را جلب کند. گرجستان تهدیدی عمده است و در فرایند یکپارچه‌سازی اوراسیایی می‌تواند کارشکنی کند. راه حل این مشکل را باید در فرهنگ ارتدوکس گرجستان با ویژگی‌ها و سنت‌های اوراسیایی جست‌وجو کرد.